

کسی به فکر نسخه‌ها نیست^۱

حسین مسرت*

کتابخانه وزیر یزد (۱۳۵۸)، کتابخانه ملک (۱۳۷۱). اگر این آمار را با شمارگان نسخه‌های خطی برخی کتابخانه‌های ایران مانند اخوان دستمالچی یزد و کتابخانه‌های کوچک عمومی مانند فرهنگساز یزد و کتابخانه‌های خصوصی بیفزاییم که تاکنون فهرست نسخه‌های آن‌ها چاپ نشده، رقم به چند صد هزار جلد خواهد رسید.

خواندن سلسله‌گفتارهای روشنگرانه و کاوشگرانه «بازیابی متون، بازسازی متون» نوشته پژوهشگر ارجمند سید محمد عمادی حائری (گزارش میراث، ش ۳۵، ۵۲ و ۵۳) که البته در بایستگی توجه به آن درنگی نیست، مرا به این اندیشه و پرسش چندساله فرو برد که برای تصحیح و چاپ انبوه دست‌نوشته‌های فارسی برجای مانده در کتابخانه‌های ایران و جهان چه کرده‌ایم؟

در این سالان اخیر، همگان از روند چاپ متن‌های کهن آگاه‌اند. دشواری‌های چندگانه‌ای که در سال‌های اخیر گریبانگیر بسیاری از بنگاه‌ها و سازمان‌های پژوهشی و فرهنگی بوده، بر هیچ کس پوشیده نیست. چنانکه فهرست «تازه‌های متون» از بهروز پارسا در گزارش میراث سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ گواهی می‌دهد، در این چهار سال، تنها ۲۳۲ متن چاپ شده که از این تعداد یازده متن در بیرون از ایران به چاپ رسیده است (نک: گزارش میراث، ش ۴۵، خرداد - تیر ۱۳۹۰، ص ۸۲-۸۵، ش ۵۲-۵۳، مرداد - آبان ۱۳۹۱، ص ۱۲۴-۱۲۹) یعنی سالی حدوداً ۵۵ کتاب و این یعنی فاجعه‌ای بزرگ برای کشوری که یکی از گاهواره‌های تمدن بشری است و تقریباً دوسوم شاید یک‌سوم نسخه‌های خطی جهان را در دسترس دارد و پیشینه تمدنی چندین هزار ساله را بر دوش می‌کشد.

آمار از روند نزولی چاپ متون کهن در این سالان اخیر در ایران در دست نیست، اما آنچه ملموس است، بسیاری از مراکز پژوهشی، فرهنگی و دانشگاهی ایران که در سالیان گذشته

درباره ارزشمندی تصحیح و چاپ دست‌نوشته‌های فارسی، کمتر نهاد پژوهشی یا پژوهشگری تردید و دودلی دارد. برپایه فهرست ناقص چاپ شده بسیاری از کتابخانه‌ها می‌دانیم که هزاران نسخه ناب و ارزنده علمی، ادبی، دینی، تاریخی و اجتماعی در گنجینه کتابخانه‌های ایران و جهان وجود دارد که چشم‌به‌راه دستان مهربان پژوهشگری است که خاک روزگاران را از آن بستر و در دسترس خوانندگان بگذارد.

جدا از خطر گزند و آسیبی که این نسخه‌ها را تهدید می‌کند و هرروزه گرفتاردها آسیب طبیعی و غیرطبیعی هستند، از سوخته شدن مانند کتابخانه‌های شهر سارایوو، دانشکده حقوق دانشگاه تهران و دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان تا غارت کتاب مانند کتابخانه‌های عراق، مصر و لیبی و تا پوسیده شدن در برخی کتابخانه‌های بندری جهان، به‌ویژه در کشور هند، تا خطراتی که بیشتر کتابخانه‌های ایران و شبه‌قاره هند به واسطه نبود جایگاه استاندارد برای نگهداری نسخه‌ها وجود دارد، دشواری اصلی، انبار شدن و بی‌استفاده ماندن بسیاری از نسخه‌هاست. این دشواری زمانی نمود بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم فهرست نسخه‌های خطی تمامی کتابخانه‌های ایران و شاید جهان، ناقص است. (بنابر گفته دکتر سید محمود مرعشی، مدیر کتابخانه آیت‌الله مرعشی، هنوز بیش از سی هزار جلد از نسخه‌های خطی آن کتابخانه، فهرست نشده است.) یا اینکه فهرست نسخه‌های خطی برخی کتابخانه‌های ایران، نزدیک به نیم قرن است چاپ نشده و بسیاری از پژوهشگران از موجودی واقعی کتابخانه‌ها بی‌خبرند.

نگاهی به آخرین فهرست چاپ شده نسخه‌های خطی برخی کتابخانه‌های ایران، گویای هر سخنی است:

تربیت تبریز (۱۳۲۹)، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (۱۳۴۱)، دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد (۱۳۶۱)، ملی تبریز (۱۳۵۳)، مدرسه عالی شهید مطهری (۱۳۵۶)،

* کارشناس و مسئول بخش خطی کتابخانه وزیر یزد.
۱. برگرفته از این شعر شاعره ایرانی: کسی به فکر گل‌ها نیست.



دست به کار چاپ متون کهن بودند، در این چند ساله حتی یک متن کهن ویراسته و پیراسته شده را هم چاپ نکرده‌اند؛ مانند دانشگاه یزد که در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۶ کوشش به چاپ دو تذکره نصرآبادی و شمع انجمن و کتاب الروض المنمنم در سال ۱۳۸۱ کرده بود، بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانه الرسول یزد که در سال ۱۳۸۱ تذکره میکده را چاپ نموده بود و یا مرکز نشر دانشگاهی که با تغییر مدیریت آن در حدود سال ۱۳۸۰ چاپ متون را متوقف کرد و برخی بنگاه‌ها مانند مجمع ذخایر اسلامی که به جای کاستن از آمار خود، اقدام به کاستن شمارگان کتاب نموده و بدبختانه به شمار غیرقابل باور سی‌الی‌چهل نسخه رسیده است و ده‌ها مورد از این دست که از حوصله این گفتار بیرون است.

اهم دشواری‌های نشر متون کهن در ایران به قرار زیر است:

۱. کاهش یا قطع تمامی سرمایه پژوهشی برخی بنگاه‌های فرهنگی از سوی سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مادر یا تصمیم‌گیرنده.
۲. کم بودن بنگاه‌های عمده دخیل در کار تصحیح و چاپ دست‌نوشته‌ها، چنان که شمار آن‌ها از انگشتان دو دست هم فراتر نمی‌رود: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، کتابخانه و موزه مجلس شورای اسلامی، مرکز نشر دانشگاهی، مجمع ذخایر اسلامی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. عدم پشتیبانی از خرید متون چاپ شده از سوی سازمان‌ها و نهادهای مسئول.
۴. قطع خرید کتاب ناشران از سوی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در دو سال اخیر.
۵. قطع و یا کاسته شدن سرمایه کتابخانه‌های دولتی و عمومی کشور.
۶. فروش نرفتن نسخه‌های چاپ شده و عدم بازگشت سرمایه برای چاپ دیگر متون.
۷. صرفه نداشتن چاپ متون برای ناشران به‌ویژه ناشران بخش خصوصی.
۸. بی‌رغبتی ناشرانی که بیشتر دست‌اندر کار تصحیح و چاپ

متون بودند، مانند مرکز نشر دانشگاهی، دانشگاه یزد، دانشگاه تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، و بسیاری از ناشران خصوصی.

۹. گرانی کاغذ، فیلم، زینک و دیگر خدمات حروف‌چینی و چاپ در این دو سال گذشته را باید بزرگ‌ترین عامل کم‌شدن آمار و شمارگان کتاب، به‌ویژه متون کهن، دانست.

راهکارها

اگر اوضاع و شرایط حاکم بر نشر، خرید کتاب و سرمایه بنگاه‌های پژوهشی بر همین روش و روند باشد، سه راهکار برای برابری با این دشواری‌ها در پیش روست:

۱. تصحیح و دیجیتالی کردن متون برای بهره‌وری همگان و چاپ تنها یک نسخه برای بایگانی در کتابخانه ملی ایران.
۲. چاپ متون بنا بر تعداد و درخواست خریدار. همان کاری که مجمع ذخایر اسلامی در دو سال اخیر نموده و از سال ۱۳۹۱ تاکنون ۲۲ عنوان کتاب ویراسته و ۲۲ عنوان کتاب فاکسیمیله (نسخه‌برگردان) را چاپ کرده و در دسترس همگان گذارده است. این مجمع، کتاب‌ها را با شمارگان سی‌الی‌پنجاه نسخه (بنا بر نیاز) چاپ کرده و در برابر بر آمار کتاب‌های خود نسبت به سال پیشین افزوده است. چنانکه شنیده‌ام در کشور آلمان هم این‌گونه کتاب‌ها با شمارگان کم و بیشترین سصد جلد چاپ می‌شود.
۳. گذراندن ماده‌ای در پشتیبانی از چاپ متون کهن در نهادهای قانونگذاری، از جمله شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۴. شنیده شده اخیراً برخی دانشگاه‌های ایران، تصحیح نسخه خطی را برای موضوع پایان‌نامه دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری نمی‌پذیرند که بایسته است این طرح با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد تأکید دوباره قرار بگیرد و افزون بر آن کار ورود اطلاعات فهرست‌های نسخه‌های خطی در پایگاه داده‌ها به عنوان کار دانشجویی پذیرفته شود.
۵. تارنماهایی مانند آقابرگ و طرح‌هایی مانند فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران مورد پشتیبانی قرار گیرد.
۶. با همکاری سازمان‌های فرهنگی و کتابخانه ملی ایران، طرح دیجیتالی کردن نسخه‌ها در همه کتابخانه‌های ایران اجرایی شود.

